

توسعه فردی و تحول سازمانی

آینده‌پژوهی توسعه مشارکت‌های سیاسی از طریق شبکه‌های اجتماعی

مجید رسولی فریمانی^۱، علی گرانمایه پور^۲، اکبر نصرالهی^۳

شیوه استناددهی: رسولی فریمانی، مجید،، گرانمایه پور،

علی، و نصرالهی، اکبر. (۱۴۰۳). آینده‌پژوهی توسعه

مشارکت‌های سیاسی از طریق شبکه‌های اجتماعی. توسعه

فردی و تحول سازمانی، ۲(۱)، ۲۲۲-۲۳۹.

۱. گروه فرهنگ و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه ارتباطات و رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۳. گروه مدیریت رسانه، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: aligeranmayehpour@iau.ac.ir

چکیده

تاریخ چاپ: ۱۰ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۴ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱ خرداد ۱۴۰۳

تاریخ ارسال: ۱۱ فروردین ۱۴۰۳

هدف این پژوهش شناسایی نقش شبکه‌های اجتماعی در آینده توسعه مشارکت‌های سیاسی و تبیین میزان اثرگذاری ظرفیت‌های فضای مجازی بر رفتار مشارکت‌جویانه شهروندان است. این تحقیق به‌صورت تلفیقی انجام شد. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق با خبرگان و تحلیل تفسیری گردآوری شد. در بخش کمی، پرسشنامه محقق‌ساخته میان ۳۸۴ نفر از اساتید و کارشناسان مرتبط با حوزه سیاست و ارتباطات دیجیتال توزیع گردید. روایی ابزار با استفاده از نظرات خبرگان و روش دلفی تأیید شد و پایایی با آلفای کرونباخ محاسبه شد. برای تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگوروف-اسمیرنوف، رگرسیون خطی و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج نشان داد داده‌های تحقیق دارای توزیع نرمال هستند و مدل رگرسیونی قادر است بخش قابل توجهی از واریانس متغیر وابسته را تبیین کند. همچنین بین ظرفیت گفتمانی شبکه‌های اجتماعی، نقش تسهیل‌کننده دولت، گفتمان سیاسی جامعه، نوع پیام‌رسان، انسداد خبری، تسهیل‌کنندگی فضای مجازی و کارکرد سیاسی شبکه‌های اجتماعی با توسعه مشارکت سیاسی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. یافته‌ها بیان می‌کنند که شبکه‌های اجتماعی در آینده نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه مشارکت سیاسی خواهند داشت و می‌توانند به‌عنوان بستر اصلی شکل‌گیری کنش سیاسی و تبادل گفتمان عمومی عمل کنند. استفاده آگاهانه و راهبردی از فضای مجازی می‌تواند موجب افزایش مشارکت، ارتقای فرهنگ سیاسی و بهبود فرآیند تصمیم‌گیری جمعی شود.

کلیدواژگان: مشارکت سیاسی؛ شبکه‌های اجتماعی؛ آینده‌پژوهی؛ فضای مجازی؛ توسعه سیاسی

این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت
دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)



این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت

دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0)

صورت گرفته است.

Personal Development and Organizational Transformation

Futures Studies on the Development of Political Participation Through Social Networks

Majid Rasoli Farimani¹, Ali Geranmayehpour^{2*}, Akbar Nasrollahi³

1. Department of Culture and Media, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Department of Communication and Media, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran.
3. Department of Media Management, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: aligeranmayehpour@iau.ac.ir

How to cite: Rasoli Farimani, M., Geranmayehpour, A., & Nasrollahi, A. (2024). Futures Studies on the Development of Political Participation Through Social Networks. *Personal Development and Organizational Transformation*, 2(1), 222-239.

Submit Date: 30 March 2024

Revise Date: 21 May 2024

Accept Date: 24 May 2024

Publish Date: 30 May 2024



© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Abstract

The objective of this study was to identify the role of social networks in shaping the future of political participation and to determine how digital environments influence citizens' political engagement. A mixed-method design was used. In the qualitative phase, in-depth interviews with experts were conducted and analyzed interpretively. In the quantitative phase, a researcher-made questionnaire was administered to 384 academics and specialists in political and digital communication fields. Instrument validity was confirmed through expert judgment, and reliability was measured using Cronbach's alpha. Data analysis included the Kolmogorov–Smirnov test, linear regression, and Pearson correlation. The findings showed that the data followed a normal distribution and that the regression model explained a significant proportion of variance in the dependent variable. Significant positive correlations were found between political participation and several factors, including discursive capacity of social networks, governmental facilitation, dominant political discourse, platform type, information blockage, digital facilitation, and the political functions of social networks. The results demonstrate that social networks will play a decisive role in the future development of political participation, functioning as key arenas for public discourse and political action. Strategic and informed use of digital spaces can enhance participation levels, strengthen political culture, and improve collective decision-making processes.

Keywords: *Political participation; social networks; futures studies; digital environment; political development*

مقدمه

تحول چشمگیر فناوری‌های ارتباطی در دهه‌های اخیر، ساختار سنتی کنش سیاسی را دگرگون کرده و شبکه‌های اجتماعی را به بستری فراگیر برای شکل‌گیری، بازتولید و اعمال مشارکت سیاسی تبدیل کرده است. در شرایطی که جوامع با تغییرات فزاینده در حوزه ارتباطات دیجیتال مواجه‌اند، فضای مجازی به‌عنوان میدان تازه‌ای برای فعال‌سازی پتانسیل‌های مشارکتی مطرح شده و نقش آن در تحولات سیاسی بیش از هر زمان دیگری مورد توجه پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار گرفته است. از دیدگاه مطالعات جدید، ظرفیت رسانه‌های اجتماعی برای تولید و بازنشر محتوا، ایجاد شبکه‌های تعاملی، تقویت جریان اطلاع‌رسانی، سازمان‌دهی کنش جمعی و امکان درگیری مدنی باعث شده است که این فضا به نقطه اتصال مهمی میان شهروندان و عرصه سیاست تبدیل شود (Shah, 2016).

در این چشم‌انداز نوین، مشارکت سیاسی دیگر محدود به فرایندهای سنتی مانند رأی‌دادن، تجمعات حضوری یا فعالیت حزبی نیست، بلکه جلوه‌های دیجیتالی جدیدی را شامل می‌شود که جوانان و گروه‌های مختلف اجتماعی از طریق آن‌ها امکان اثرگذاری بر تحولات سیاسی را تجربه می‌کنند. به‌ویژه نسل‌های جوان، که پیوند عمیق‌تری با فناوری دارند، مشارکت سیاسی خود را بیشتر از طریق تعاملات دیجیتال ابراز می‌کنند و همین امر مطالعات گسترده‌ای را درباره الگوهای مشارکت آنان برانگیخته است (Xenos, 2014; Weiss, 2020). پژوهش‌های متعدد نشان می‌دهند که حضور جوانان در شبکه‌های اجتماعی به افزایش آگاهی سیاسی، تقویت انگیزش مشارکت، و همچنین مشارکت در کنش‌های اعتراضی یا انتخاباتی کمک می‌کند (Theocharis, 2023; Boulianne & Theocharis, 2020).

از منظر نظری، بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که فضاهای دیجیتال می‌توانند ساختار قدرت و کنش جمعی را دگرگون کنند. برای مثال، ظرفیت تولید محتوا توسط کاربران باعث شده است که شبکه‌های اجتماعی نقش مهمی در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی و هویت اجتماعی ایفا کنند (Andreeva, 2019). پژوهش‌ها نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی به دلیل ماهیت تعاملی خود نه‌تنها فضای گفت‌وگوی عمومی را گسترده‌تر می‌کنند، بلکه امکان چرخش آزادانه اطلاعات، افشای فساد، بیان اعتراضات، و تولید اشکال گوناگون کنش سیاسی را فراهم می‌آورند (Jost et al., 2018).

گسترش امکان مواجهه با دیدگاه‌های مختلف در شبکه‌های اجتماعی، که در ادبیات نظری با مفهوم «مواجهه متقاطع» توضیح داده شده است، یکی از ابعاد مهم تحلیل مشارکت سیاسی دیجیتال است (Matthes, 2019; Lu et al., 2016). این مواجهه می‌تواند پیامدهای متفاوتی داشته باشد: از یک‌سو ممکن است موجب افزایش رواداری و تقویت ظرفیت‌های دموکراتیک شود و از سوی دیگر ممکن است به قطبی‌سازی افکار عمومی یا کاهش تمایل به مشارکت رسمی بینجامد (Barnidge, 2016). بنابراین، فهم کارکرد شبکه‌های اجتماعی نیازمند بررسی دقیق سازوکارهای ارتباطی، الگوهای مصرف خبری و تعاملات مدنی کاربران است (Gil de Zúñiga et al., 2019).

در سطح ملی، پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نیز نشان داده‌اند که شبکه‌های اجتماعی بر ابعاد مختلف مشارکت سیاسی تأثیرگذارند. برای مثال، رابطه میان سرمایه اجتماعی دیجیتال و مشارکت سیاسی به‌طور معناداری مورد تأیید قرار گرفته است (Ahmadi, 2019). بررسی‌های دیگر نشان داده‌اند که دانشجویان و اقشار تحصیل‌کرده بیش از دیگران تحت تأثیر محتوای سیاسی شبکه‌های اجتماعی قرار می‌گیرند و این امر می‌تواند در جهت‌دهی به مشارکت سیاسی آنان نقش مهمی ایفا کند (Ebrahimi et al., 2019). تحلیل‌های فراتر نیز نشان داده‌اند که مشارکت سیاسی دیجیتال در ایران از عوامل مختلفی مانند نوع رسانه، سواد رسانه‌ای، ساختارهای فرهنگی، و شرایط سیاسی حاکم تأثیر می‌پذیرد (Khaniki, 2018; Sadeghian Hosseini, 2018).

علاوه بر این، برخی پژوهش‌ها در ایران بیان کرده‌اند که شبکه‌های اجتماعی در بستر جامعه ایرانی دو کارکرد هم‌زمان دارند: نخست، تقویت تعاملات سیاسی و افزایش مشارکت؛ و دوم، ایجاد فضایی برای شکل‌گیری گفتمان‌های اعتراضی و بازنمایی مطالبات گروه‌های مختلف اجتماعی (Rahbar Ghazi et al., 2017؛ Reysi Dehkardi, 2015). این دوگانه بودن نقش شبکه‌های اجتماعی سبب شده است که سیاست‌گذاران نسبت به پیامدهای آن حساس شوند و لزوم آینده‌پژوهی در این حوزه مورد توجه قرار گیرد (Akhavan Kazemi & Nikoonahad, 2019). آینده‌پژوهی با فراهم آوردن امکان سنجش سناریوهای محتمل آینده، مسیرهای ممکن توسعه مشارکت سیاسی را تحلیل می‌کند و به سیاست‌گذاران کمک می‌کند تا از فرصت‌ها بهره‌مند و نسبت به تهدیدها هوشیار باشند (Yavarzadeh & Rezaei, 2014؛ Kalaj, 2014).

در سطح جهانی، پژوهش‌ها نشان می‌دهند که درگیری کاربران با اطلاعات سیاسی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند انگیزه مشارکت را از طریق سه مسیر افزایش دهد: افزایش آگاهی، تقویت هم‌هویتی با گروه‌های سیاسی، و فراهم شدن امکان بسیج دیجیتال (Tariq et al., 2022؛ Chan, 2017). همچنین استمرار استفاده شهروندان از شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان فضای ارتباط سیاسی می‌تواند مشارکت آنان را در بلندمدت پایدار کند (Chen et al., 2019). در مقابل، کاهش اعتماد به رسانه‌های سنتی موجب شده است که کاربران بیش از پیش به شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان منبع خبری تکیه کنند (Majlesi, 2020).

تحلیل‌ها نشان می‌دهند که استفاده گسترده از سناریونگاری و آینده‌پژوهی در حوزه رسانه و سیاست می‌تواند ابعاد پیچیده مشارکت سیاسی دیجیتال را آشکار سازد، زیرا این فرایندها امکان بررسی نیروهای پیشران، عدم قطعیت‌های کلیدی، و پیامدهای ساختاری فضای مجازی را فراهم می‌کنند (Wirth et al., 2014). در پژوهش‌های جدید نیز تأکید شده است که رسانه‌های اجتماعی نقش فزاینده‌ای در تحریک احساس کارآمدی سیاسی، برانگیختن مطالبه‌گری عمومی، و امکان کش جمعی دارند (Arabi et al., 2023؛ Arfan, 2023). همچنین، مطالعات جدید درباره سیاست‌ورزی دیجیتال نشان می‌دهند که این پلتفرم‌ها قادرند شیوه‌های بسیج سیاسی را میان نسل‌های مختلف دگرگون کنند (Kenesov, 2024؛ Kharel & Bhakta, 2024).

از سوی دیگر، پژوهش‌های مربوط به الگوهای مشارکت سیاسی دیجیتال نیز به ابزارسازی برای سنجش رفتارهای مشارکتی در شبکه‌های اجتماعی توجه کرده‌اند و شاخص‌های نوینی برای اندازه‌گیری رفتارهای تعاملی و کنشگری سیاسی ارائه داده‌اند که فهم بهتر مشارکت سیاسی را ممکن می‌سازد (Waeterloos et al., 2021). علاوه بر این، تحلیل‌های تطبیقی نشان داده‌اند که ساختارهای سیاسی، نوع نظام رسانه‌ای، و درجه باز بودن محیط سیاسی در هر کشور می‌توانند شدت مشارکت سیاسی دیجیتال را به میزان قابل توجهی تغییر دهند (Weiss, 2020). در شرایط امروز ایران نیز شبکه‌های اجتماعی با فراهم آوردن بستری برای تعاملات گسترده، شکل‌دهی افکار عمومی، و بازتاب مطالبات سیاسی نقشی اساسی در مشارکت سیاسی شهروندان دارند. این فضا می‌تواند مشارکت انتخاباتی، مشارکت اعتراضی، و نیز مشارکت نمادین و احساسی را دستخوش تحول کند. به همین دلیل، ضرورت دارد که ابعاد تأثیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی در چارچوب آینده‌پژوهی مورد مطالعه قرار گیرد تا پیامدهای محتمل آن بر کنش سیاسی در ایران روشن شود. بنابراین، با توجه به اهمیت روبه‌رشد شبکه‌های اجتماعی در تعیین جهت‌گیری‌های سیاسی جامعه، این پژوهش با هدف تبیین نقش شبکه‌های اجتماعی در آینده توسعه مشارکت‌های سیاسی در ایران انجام می‌شود. این پژوهش با هدف تحلیل و تبیین نقش شبکه‌های اجتماعی در آینده توسعه مشارکت‌های سیاسی در ایران انجام شد.

روش‌شناسی

روش تحقیق در این پژوهش به صورت تلفیقی است و پژوهشگر از هر دو رویکرد کیفی و کمی برای جمع آوری اطلاعات بهره برده است. روش اول این پژوهش از بعد هدف کاربردی و از بعد روش مورد استفاده، روش دلفی می‌باشد. این روش یا تکنیک، ارتباطی ساختمان است که در اصل به منظور پیش‌گویی سامانمند و تعاملی با تکیه برهم‌اندیشی خبرگان ابداع شده و توسعه پیدا کرده‌است. جامعه آماری در بخش کیفی خبرگان حوزه (علوم ارتباطات، علوم سیاسی و کارشناسان و فعالان سیاسی فضای مجازی) تشکیل می‌دهند. حجم نمونه براساس خبرگان شناخته شده ۳۰ نفر می‌باشد و بر اساس سطح اشباع به پاسخ‌ها دست پیدا نموده ایم. ابزار گردآوری اطلاعات نیز، مصاحبه عمیق با نخبگان می‌باشد که به روش تحلیل تفسیری نیز مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. روش دوم مورد استفاده در این پژوهش نوع پژوهش‌های توصیفی و تحلیلی بوده و به لحاظ هدف یک پژوهش بنیادی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را در بخش کمی تعداد ۳۸۴ نفر از اساتید حوزه علوم ارتباطات، علوم سیاسی و کارشناسان سیاسی فضای مجازی حوزه سیاست و ارتباطات و فضای مجازی می‌باشند. روش نمونه‌گیری مورد استفاده نیز، روش نمونه‌گیری در دسترس می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات در این بخش، پرسشنامه محقق ساخته‌ای است که از مولفه‌های شناسایی شده روش کیفی تنظیم گردیده است. روایی پرسشنامه با بهره‌گیری از خرد جمعی نخبگان مورد نظر و انجام روش دلفی تأیید و سپس در جامعه آماری پژوهش توزیع شده است. پایایی پرسشنامه ذکر شده نیز با استفاده از روش اندازه‌گیری آلفای کرونباخ محاسبه شده است. طیف پاسخگویی به سؤالات بر اساس طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت نیز انتخاب شده‌اند. سپس برای بررسی داده‌های توصیفی از آمار توصیفی، و برای تجزیه و تحلیل داده‌های استنباطی از آمارهای استنباطی مانند آزمون کولموگروف اسمیرنوف، معادله خط برگشت و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. تجزیه و تحلیل‌ها با کمک نرم افزار آماری SPSS 26 انجام شده است.

یافته‌ها

فضای مجازی یک امکان نسبی است و حکمرانی باخرد و آگاهانه، از در تعامل با این ظرفیت وارد می‌شود و با تولید محتوای صادق و حرفه‌ای، با جامعه مخاطب خود به گونه‌ای غیر مستقیم و توأم با احترام ارتباط می‌گیرد. کنشگران شناخته شده که اعتماد مردم را سرمایه دارند در این راستا می‌توانند کمک کار حاکمیت باشند. البته باید توجه داشت که از این سرمایه حاکمیت باید درست استفاده کند. ساختن جامعه و حکومت از این امکان موجب خسارت خواهد بود بنابراین سطح آن نمی‌تواند از نظر کیفی و کمی قابل اندازه‌گیری دقیقی باشد، ولی می‌توان آن را در مقایسه با پدیده‌های اجتماعی به صورت نمودار و مقایسه‌ای و آماری مورد استفاده قرار داد.

بعد از ظهور و بروز فضای مجازی و رشد تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، ماهیت انواع ارتباطات نیز دچار تغییر شد. از ارتباطات سیاسی به عنوان یکی از دسته‌های مهم این نوع ارتباطات می‌توان نام برد که این تغییرات به طور مشخص هم در آغاز هم در پایان و هم در فرآیند شکل‌گیری آن اثرگذار بوده و هست. با عنایت به اینکه بسیاری از ارکان زندگی اجتماعی در جوامع امروز به سمت بهره‌گیری از فضای مجازی رفته است، مشارکت سیاسی مردم نیز بعنوان یک فعالیت اجتماعی قطعاً ناگزیر است که به سمت فضای مجازی حرکت کرده و یکی از کارکردهای مشارکت در امور سیاسی بی‌شک تاثیر گذاری بر تصمیمات حاکمان جامعه خواهد بود و اگر این فعل تاکنون با مشارکت در فضای واقعی انجام میشد و اکنون بصورت ترکیبی از فضای واقعی و مجازی انجام میشود در آینده وجه غالب مشارکت در فضای مجازی خواهد بود.

یافته‌های این بخش نشان می‌دهد سرکوب و مقاومت در برابر فعالیتهای مردمی در این فضا راه حل درستی نمی‌باشد و بر نظام سیاسی آسیب وارد می‌نماید. فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی را باید فرصت دانست. فرصتی برای آینده‌گی. برای بازتاباندن آنچه هست. هرچند دیگران هم در این فضا بذر خود را خواهند کاشت اما اگر سواد رسانه‌ای تقویت شود می‌توان سره را از ناسره باز شناخت و از میان هزار راه پیش رو امن‌ترین مسیر را برگزید. شبکه‌های اجتماعی بهترین فضا برای گفتگوی مفاهیم آموخته میان مردم هستند. در واقع این شبکه‌ها همان گستره همگانی هستند که یورگن هابرماس به آن اشاره داشته است. از طریق این گستره همگانی، دیدگاه‌های مردم مبادله می‌شود و تصمیمات جمعی برای اداره امور جامعه گرفته می‌شود. شبکه‌های اجتماعی دماسنج اجتماعی و سیاسی هر جامعه‌ای هستند و در نبود آزادی‌های رسانه‌های ارتباط جمعی در جوامع، این شبکه‌های اجتماعی به عنوان رسانه جایگزین عمل می‌کنند. در پایان نیز باید اشاره نمود که همه اقدامات شهروندان به صورت توده‌ای در فضای مجازی مشارکت سیاسی محسوب نمی‌شوند. مشارکت سیاسی با تاثیرگذاری به وقوع می‌پیوندد. صرف گفتگو و گفتمان در این فضا مشارکت سیاسی رخ نمی‌دهد چرا که صاحب تاثیرگذاری نمی‌باشد.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

متغیر	گروه	درصد (%)	فراوانی (n)
سن	۲۰-۳۰ سال	۱۳.۸٪	۵۳
	۳۱-۴۰ سال	۲۴.۷٪	۹۵
	۴۱-۵۰ سال	۳۹.۳٪	۱۵۱
	۵۱-۶۰ سال	۱۵.۴٪	۵۹
	۶۱ سال و بالاتر	۶.۸٪	۲۶
جنسیت	مرد	۴۸.۷٪	۱۸۷
	زن	۵۱.۳٪	۱۹۷
وضعیت تأهل	متأهل	۸۱.۵٪	۳۱۳
	مجرد	۱۸.۵٪	۷۱
شغل	کارگر	۶.۵٪	۲۵
	کارمند	۲۶.۶٪	۱۰۲
	دانشجو	۱۰.۷٪	۴۱
	آزاد	۱۵.۱٪	۵۸
تحصیلات	نظامی	۱۰.۹٪	۴۲
	حوزوی	۹.۹٪	۳۸
	بازنشسته	۱۳.۳٪	۵۱
	خانه‌دار	۷٪	۲۷
	کاردانی	۱۶.۴٪	۶۳
تحصیلات	کارشناسی	۲۵.۵٪	۹۸
	کارشناسی ارشد	۳۷.۸٪	۱۴۵
	دکتری	۲۰.۳٪	۷۸

- ۱۳/۸ درصد در طبقه سنی ۲۰-۳۰ سال، ۲۴/۷ درصد در طبقه سنی ۳۱-۴۰ سال، ۳۹/۳ درصد در طبقه سنی ۴۱-۵۰، ۱۵/۴ درصد در طبقه سنی ۵۱-۶۰ سال و ۶/۸ درصد در طبقه سنی ۶۱ سال به بالا قرار داشته‌اند.
- ۴۸/۷ درصد از افراد حجم نمونه تحقیق را مردان و ۵۱/۳ درصد را نیز زنان تشکیل داده‌اند.
- ۸۱/۵ درصد از افراد حجم نمونه تحقیق متأهل و ۱۸/۵ درصد نیز مجرد هستند.

Personal Development and Organizational Transformation

- ۶/۵ درصد کارگر، ۲۶/۶ درصد کارمند، ۱۰/۷ درصد دانشجوی، ۱۵/۱ درصد آزاد، ۱۰/۹ درصد نظامی، ۹/۹ درصد حوزوی، ۱۳/۳ درصد بازنشسته و ۷ درصد نیز خانه دار می‌باشند.
- ۱۶/۴ درصد در مقطع کاردانی، ۲۵/۵ درصد کارشناسی، ۳۷/۸ درصد کارشناسی ارشد و ۲۰/۳ درصد نیز دارای مدرک دکتری می‌باشند.

در بررسی نرمال بودن داده‌ها ما فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵٪ تست می‌کنیم. بنابراین اگر آماره آزمون بزرگتر مساوی ۰.۰۵ بدست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن داده‌های تحقیق

N	
۳۸۴	
۱۱۱/۹۸۹۵	میانگین
۱۹/۲۷۱۵۱	انحراف معیار
۰/۰۴۴	کامل
۰/۰۲۷	مثبت
-۰/۰۴۴	منفی
۰/۰۴۴	Test Statistic
۰/۰۶۷	Asymp. Sig. (۲-tailed)

اطلاعات جدول فوق نشان می‌دهد که نتایج و مقدار Sig برای داده‌های متغیر نقش آینده پژوهی (۰/۶۷) که بیشتر از ۰/۰۵ است و نشان دهنده نرمال بودن داده‌ها می‌باشد.

جدول ۳: مربوط به متغیرهای مدل

متغیرهای وارد/حذف شده ^a	
Model	متغیرهای وارد شده
۱	Tosesyasi ^b
a. Dependent Variable: Ayandehpajhohi	
b. All requested variables entered.	

جدول ۴: خلاصه مدل و ضریب تعیین

خلاصه مدل	
Model	R
۱	۰/۷۶۸ ^a
a. Predictors: (Constant), Tosesyasi	

در جدول ۴، ضریب تعیین بین مقادیر پیش بینی شده و مقدارهای واقعی متغیر مستقل محاسبه شده است. همچنین مربع ضریب تعیین در ستون R Square قرار گرفته است که برابر با ۰/۵۹۰ می‌باشد. ضریب تعیین نشانگر درصدی از تغییرات متغیر وابسته است که توسط مدل رگرسیونی قابل تخمین است. هر چه ضریب تعیین بزرگتر و به یک نزدیک‌تر باشد، مدل رگرسیونی مناسب‌تر است.

توسعه فردی و تحول سازمانی

جدول ۵: جدول آنالیز واریانس

مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F	Sig.
۱	۴۴۸۵۶/۰۳۱	۱	۴۴۸۵۶/۰۳۱	۵۴۶/۱۷۹	b./۰۰۰
باقیمانده	۳۱۲۰۸/۲۳۳	۳۸۰	۸۲/۱۲۷		
مجموع	۷۶۰۶۴/۲۶۴	۳۸۱			

a. Dependent Variable: Ayandehpajhohi
b. Predictors: (Constant), Tosesyasi

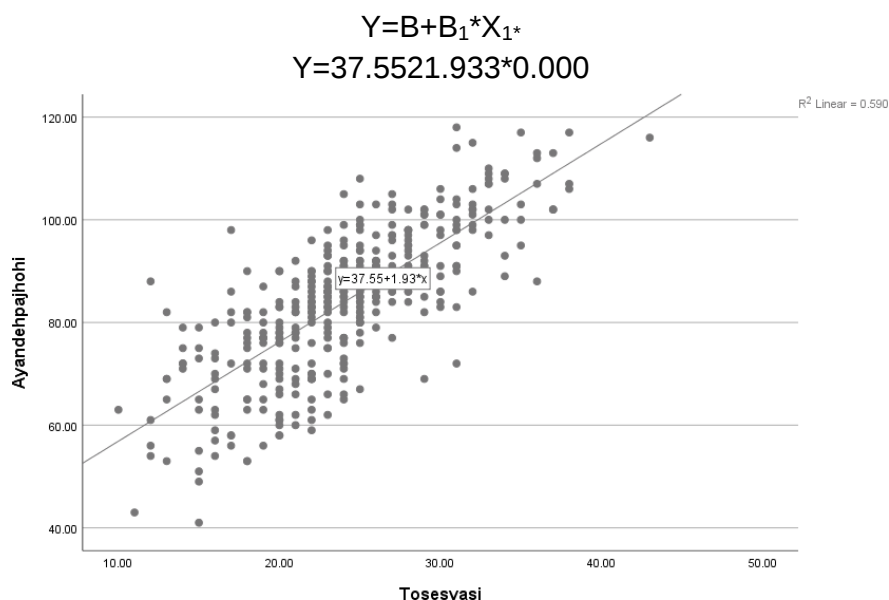
در جدول آنالیز واریانس، می‌توان گفت که مدل رگرسیونی توانسته است، نسبت به حالت تصادفی، واریانس متغیر وابسته را بیشتر توصیف کند، زیرا مقدار سطح معناداری (sig) برابر با ۰/۰۰۰ می‌باشد که کمتر از ۰/۰۵ است. بنابراین آینده پژوهی شبکه‌های اجتماعی در توسعه سیاسی ایران نقش تاثیرگذاری دارد.

جدول ۶: ضرایب رگرسیونی

مدل	ضرایب غیر استاندارد	ضرایب استاندارد		t	Sig.
		انحراف استاندارد	بتا		
۱	۳۷/۵۵۲	۲/۰۵۱		۱۸/۳۱۳	۰/۰۰۰
	۱/۹۳۳	۰/۰۸۳	۰/۷۶۸	۲۳/۳۷۰	۰/۰۰۰

a. Dependent Variable: Ayandehpajhohi

در جدول ضرایب رگرسیونی، مقدار ثابت یا همان «عرض از مبدا» برابر با ۳۷/۵۵۲ و شیب خط نیز برای متغیر توسعه سیاسی نیز (۱/۹۳۳) بدست آمد. بنابراین معادله خط به صورت زیر خواهد بود.



شکل ۱: نمودار پراکندگی/نقطه‌ای داده‌ها

Personal Development and Organizational Transformation

وجود رابطه خطی بین متغیرها بوسیله یک نمودار نقطه‌ای^۱ مشخص می‌شود. مدل خطی مربوط به ترسیم نمودار پراکندگی/نقطه‌ای برای هریک از متغیرهای آینده پژوهی شبکه‌های اجتماعی و توسعه سیاسی در شکل شماره ۱ دیده می‌شود.

جدول ۷: آزمون همبستگی پیرسون برای ظرفیت گفتمانی شبکه‌های اجتماعی و توسعه مشارکت سیاسی

ضرایب همبستگی			
توسعه مشارکت سیاسی		ظرفیت گفتمانی شبکه‌های اجتماعی	
همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۵۳	
سطح معناداری		۰/۰۰۰	
حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴	
همبستگی پیرسون	**۰/۷۵۳	۱	
سطح معناداری	۰/۰۰۰		
حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴	
**. Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).			

در خروجی ظاهر شده از جدول ۷، عدد اول نشان دهنده ضریب همبستگی است، عدد دوم نشان دهنده معناداری یا P-Value است که اگر کمتر از ۰/۰۵ باشد نشان دهنده معنی دار بودن رابطه بین دو متغیر است. در اینجا ضرایب همبستگی بین ظرفیت گفتمانی شبکه‌های اجتماعی و توسعه مشارکت سیاسی ۰/۷۵۳ است. این ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به میزان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۸: آزمون همبستگی پیرسون برای نقش تسهیل کننده دولت‌ها و حکومت‌ها و توسعه مشارکت سیاسی

ضرایب همبستگی			
توسعه مشارکت سیاسی		نقش تسهیل کننده دولت‌ها و حکومت‌ها	
همبستگی پیرسون	۱	۰/۳۷۱	
سطح معناداری		۰/۰۰۰	
حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴	
همبستگی پیرسون	**۰/۳۷۱	۱	
سطح معناداری	۰/۰۰۰		
حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴	
**. Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).			

در خروجی ظاهر شده از جدول ۸، ضرایب همبستگی بین نقش تسهیل کننده دولت‌ها و حکومت‌ها و توسعه مشارکت سیاسی ۰/۳۷۱ است. این ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به میزان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این متغیرها معنادار می‌باشد.

¹ Scatter/Dot Plot

توسعه فردی و تحول سازمانی

جدول ۹: آزمون همبستگی پیرسون برای گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه و توسعه مشارکت سیاسی

ضرایب همبستگی			
توسعه مشارکت سیاسی	همبستگی پیرسون	توسعه مشارکت سیاسی	
		گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه	
		۰/۲۹۳	۱
گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
	همبستگی پیرسون	۰/۲۹۳**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
**. Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).			

در خروجی ظاهر شده از جدول ۹، ضرایب همبستگی بین گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه و توسعه مشارکت سیاسی ۰/۲۹۳ است. این ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به میزان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۱۰: آزمون همبستگی پیرسون برای نوع پیام رسان یا شبکه‌های اجتماعی و توسعه مشارکت سیاسی

ضرایب همبستگی			
توسعه مشارکت سیاسی	همبستگی پیرسون	توسعه مشارکت سیاسی	
		نوع پیام رسان یا شبکه‌های اجتماعی	
		۰/۴۰۳	۱
نوع پیام رسان یا شبکه‌های اجتماعی	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
	همبستگی پیرسون	۰/۴۰۳**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
**. Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).			

در خروجی ظاهر شده از جدول ۱۰، ضرایب همبستگی بین نوع پیام رسان یا شبکه‌های اجتماعی و توسعه مشارکت سیاسی ۰/۴۰۳ است. این ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به میزان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۱۱: آزمون همبستگی پیرسون برای انسداد خبری در فضای سیاسی و توسعه مشارکت سیاسی

ضرایب همبستگی			
توسعه مشارکت سیاسی	همبستگی پیرسون	توسعه مشارکت سیاسی	
		انسداد خبری در فضای سیاسی	
		۰/۵۷۰	۱
انسداد خبری در فضای سیاسی	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
	همبستگی پیرسون	۰/۵۷۰**	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
**. Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).			

اطلاعات جدول ۱۱ نشان می‌دهد بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به میزان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۱۲: آزمون همبستگی پیرسون برای تسهیل کنندگی فضای مجازی و توسعه مشارکت سیاسی

ضرایب همبستگی			
توسعه مشارکت سیاسی		تسهیل کنندگی فضای مجازی	
توسعه مشارکت سیاسی	همبستگی پیرسون	۱	۰/۸۷۳
	سطح معناداری		۰/۰۰۰
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
تسهیل کنندگی فضای مجازی	همبستگی پیرسون	**۰/۸۷۳	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴

***. Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).

اطلاعات جدول ۱۲ نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به میزان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این متغیرها معنادار می‌باشد.

جدول ۱۳: آزمون همبستگی پیرسون برای کارکرد سیاسی شبکه‌های اجتماعی و توسعه مشارکت سیاسی

ضرایب همبستگی			
توسعه مشارکت سیاسی		کارکرد سیاسی شبکه‌های اجتماعی	
توسعه مشارکت سیاسی	همبستگی پیرسون	۱	۰/۷۶۳
	سطح معناداری		۰/۰۰۰
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴
کارکرد سیاسی شبکه‌های اجتماعی	همبستگی پیرسون	**۰/۷۶۳	۱
	سطح معناداری	۰/۰۰۰	
	حجم نمونه	۳۸۴	۳۸۴

***. Correlation is significant at the ۰.۰۱ level (۲-tailed).

در خروجی ظاهر شده از جدول ۱۳، ضرایب همبستگی بین کارکرد سیاسی شبکه‌های اجتماعی و توسعه مشارکت سیاسی ۰/۷۶۳ است. این ضرایب همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیر وابسته و متغیر مستقل رابطه همبستگی مثبتی وجود دارد. همچنین با توجه به میزان سطح معناداری، مشاهده می‌شود که رابطه این متغیرها معنادار می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد که شبکه‌های اجتماعی نقشی تعیین‌کننده در توسعه مشارکت‌های سیاسی ایفا می‌کنند و الگوهای مشارکت شهروندان در ایران، همانند بسیاری از جوامع، به شدت متأثر از تعاملات دیجیتال و تجربه زیست‌مجازی افراد است. نخستین نتیجه قابل توجه، وجود رابطه معنادار بین ظرفیت گفتمانی شبکه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی شهروندان بود؛ به این معنا که هرچه کاربران در معرض گفت‌وگوهای سیاسی و تبادل افکار در فضای مجازی قرار گیرند، احتمال مشارکت فعال سیاسی آنان نیز افزایش می‌یابد. این یافته همسو با مطالعات گسترده‌ای است که تأکید می‌کنند گفت‌وگوهای آنلاین و مواجهه کاربران با محتوای سیاسی، بسترهای مهمی برای کنشگری سیاسی

ایجاد می‌کند. برای مثال، پژوهش‌هایی نشان داده‌اند که مواجهه روزمره با بحث‌های سیاسی در شبکه‌های اجتماعی می‌تواند انگیزه مشارکت سیاسی کاربران را افزایش دهد (Shah, 2016؛ Barnidge, 2016) و حتی آنان را به مشارکت در فعالیت‌های اعتراضی سوق دهد (Jost et al., 2018). همچنین، مدل میانجی‌گری ارتباطی که در ادبیات جدید مطرح شده، نشان می‌دهد بحث سیاسی آنلاین ارتباط مستقیمی با مشارکت سیاسی دارد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌تواند ظرفیت بسیج سیاسی کاربران را تقویت کند (Gil de Zúñiga et al., 2019؛ Chan, 2017).

نتیجه دوم پژوهش، نقش معنادار «تسهیل‌کنندگی دولت‌ها و حکومت‌ها» در توسعه مشارکت سیاسی در فضای مجازی بود. به عبارت دیگر، هر اندازه نهادهای حکمرانی، سیاست‌های مبتنی بر شفافیت، دسترسی آزاد به اطلاعات و حمایت از ارتباطات آنلاین را در پیش بگیرند، مشارکت سیاسی کاربران در فضای مجازی افزایش می‌یابد. این یافته با نتایج پژوهش‌های ملی و بین‌المللی سازگار است که بر اهمیت ساختارهای حمایتی و سیاست‌گذاری‌های باز تأکید دارند. مطالعه‌ای در ایران نیز نشان داده است که هرگونه محدودیت، انسداد یا اعمال کنترل شدید ممکن است میزان مشارکت سیاسی در فضای مجازی را کاهش داده و در مقابل، سیاست‌های تسهیل‌کننده می‌توانند مشارکت معنادار و سازنده را افزایش دهند (Ebrahimi, 2019؛ Rahbar Ghazi et al., 2017). همین نتیجه در سطح جهانی نیز مشاهده شده است، چنانکه دسترسی آزاد به اینترنت، آزادی بیان و گسترش زیرساخت‌های دیجیتال می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری مشارکت سیاسی ایفا کند (Weiss, 2020؛ Arfan, 2023). این هم‌راستایی نشان می‌دهد که دولت‌ها نه تنها باید با فضای مجازی در تعارض نباشند، بلکه لازم است از آن به‌عنوان فرصتی برای تقویت تعاملات سیاسی استفاده کنند (Ahmadi, 2019).

یافته مهم دیگر پژوهش، نقش «گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه» در مشارکت سیاسی شهروندان در فضای آنلاین بود. این نتیجه بیان می‌کند که کاربران تحت تأثیر گفتمان غالب سیاسی و اجتماعی، رویکرد خود به مشارکت دیجیتال را انتخاب می‌کنند. این امر با مباحث نظری مرتبط با شکل‌گیری فرهنگ سیاسی همسو است؛ زیرا فرهنگ سیاسی جامعه، چارچوب ذهنی کاربران را شکل می‌دهد و بر نحوه مواجهه آنان با مسائل سیاسی اثر می‌گذارد (Andreeva, 2019). همچنین در ایران، پژوهش‌ها نشان داده‌اند که گفتمان‌های غالب می‌توانند موجب تشویق یا محدودسازی مشارکت سیاسی شوند (Khaniki & Khajir, 2018). این هم‌سویی نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی در شبکه‌های اجتماعی نه تنها محصول امکانات فناورانه است، بلکه ریشه در زمینه‌های فرهنگی، هنجاری و گفتمانی جامعه دارد.

همچنین نتایج نشان داد «نوع پیام‌رسان یا شبکه اجتماعی» بر نحوه مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد؛ به این معنا که تفاوت میان پلتفرم‌ها می‌تواند میزان، کیفیت و جهت‌گیری مشارکت را دگرگون کند. برای مثال، پیام‌رسان‌هایی که مبتنی بر ارتباطات خصوصی‌تر هستند، بیشتر زمینه‌ساز گفت‌وگوهای بین‌فردی‌اند، در حالی که شبکه‌های اجتماعی باز مانند توییتر یا اینستاگرام، بسترهای گسترده‌تر و عمومی‌تری برای مشارکت سیاسی فراهم می‌کنند (Lu, 2016؛ Xenos et al., 2014). این یافته با ادبیات نظری جدید درباره «affordance» پلتفرم‌ها همسو است، یعنی هر پلتفرم به‌گونه‌ای طراحی شده که امکانات خاصی را برای کاربران فراهم می‌کند و همین امکانات نوع مشارکت سیاسی را شکل می‌دهد (Waeterloos, 2021؛ Theocharis et al., 2023).

یکی از یافته‌های کلیدی پژوهش، تأثیر مثبت و معنادار «انسداد خبری در فضای سیاسی واقعی» بر مشارکت سیاسی در شبکه‌های اجتماعی بود. این نتیجه به‌طور ضمنی نشان می‌دهد که محدودیت‌های خبری در فضای رسمی، کاربران را به سمت فضای مجازی سوق می‌دهد تا نیازهای اطلاعاتی خود را از منابع جایگزین تأمین کنند. مطالعات پیشین نیز بیان کرده‌اند که در محیط‌های سیاسی بسته، شبکه‌های اجتماعی

نقش «رسانه جایگزین» را بر عهده می‌گیرند و میزان مشارکت سیاسی آنلاین افزایش می‌یابد (Majlesi, 2020؛ Shams, 2020). در چنین شرایطی، کاربران با اعتماد بیشتر به شبکه‌های اجتماعی، در جریان گفت‌وگوها و فعالیت‌های سیاسی مشارکت فعال‌تری خواهند داشت؛ امری که در برخی تحولات سیاسی جهانی نیز مشاهده شده است (Kharel, 2024؛ Tariq et al., 2022).

در بخش دیگری از نتایج، مشاهده شد که «تسهیل‌کنندگی فضای مجازی» نقش بسیار مهمی در افزایش مشارکت سیاسی دارد. این یافته نشان می‌دهد که دسترسی آسان، هزینه پایین مشارکت، امکان تعامل سریع، قابلیت انتشار محتوا و فراهم بودن فضا برای گفتگوهای گسترده، به نحو معناداری مشارکت سیاسی را تقویت می‌کند. پژوهش‌های بین‌المللی نیز تأکید می‌کنند که شبکه‌های اجتماعی با ساده‌سازی مسیرهای مشارکت، سبب افزایش انگیزه کاربران برای درگیر شدن در فعالیت‌های سیاسی شده‌اند (Wirth, 2014؛ Boulianne & Theocharis, 2020). مطالعات داخلی نیز به این نکته اشاره دارند که فضای مجازی به‌عنوان زیست‌دوم شهروندان در ایران، نقش مهمی در شکل‌دهی افکار عمومی ایفا می‌کند و می‌تواند مشارکت واقعی را نیز تحت تأثیر قرار دهد (Reysi Dehkardi, 2015؛ Najafi & Chabaki, 2016). این یافته همسو با تحلیل‌هایی است که بیان می‌کنند تسهیل دسترسی به محتوای سیاسی، مشارکت را به سمت طیف گسترده‌تری از فعالیت‌ها سوق می‌دهد (Shah, 2016).

در بررسی نقش «کارکرد سیاسی شبکه‌های اجتماعی» نیز نتایج نشان داد که این شبکه‌ها نقشی چندوجهی در شکل‌دهی به مشارکت سیاسی دارند. شبکه‌های اجتماعی علاوه بر انتشار اخبار، نقش مهمی در بسیج سیاسی، سازماندهی رویدادهای جمعی، تقویت احساس کارآمدی سیاسی و ایجاد هویت مشترک ایفا می‌کنند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش‌هایی همسو است که تأکید می‌کنند رسانه‌های اجتماعی می‌توانند ساختار کنش جمعی را دگرگون کنند (Arabi et al., 2023). در سطح بین‌المللی نیز نشان داده شده است که شبکه‌های اجتماعی ابعاد مختلف مشارکت را از گفتگو گرفته تا کنش اعتراضی تسهیل می‌کنند و در بسیاری از جنبش‌های اجتماعی نقش محوری داشته‌اند (Jost et al., 2018).

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نه تنها با ادبیات نظری موجود درباره مشارکت سیاسی دیجیتال همسو است، بلکه تصویر روشن‌تری از وضعیت ایران در این زمینه ارائه می‌کند. نتایج نشان می‌دهند که مشارکت سیاسی در فضای مجازی نه صرفاً یک رفتار فردی، بلکه شبکه‌ای از تعاملات اجتماعی، رسانه‌ای، سیاسی و فرهنگی است که در هم تنیده شده‌اند. همچنین این پژوهش تأیید می‌کند که شبکه‌های اجتماعی در ایران ظرفیت بالایی برای تبدیل شدن به بستر اصلی مشارکت سیاسی دارند؛ ظرفیتی که به‌صورت بالقوه می‌تواند به افزایش دموکراسی دیجیتال کمک کند یا در صورت مدیریت ناصحیح، چالش‌های جدیدی ایجاد نماید.

این پژوهش با وجود نتایج ارزشمند خود، محدودیت‌هایی نیز دارد. نخست آنکه داده‌ها در یک مقطع زمانی جمع‌آوری شده‌اند و بنابراین امکان تحلیل تغییرات طولی مشارکت سیاسی در فضای مجازی فراهم نبوده است. دوم آنکه بخشی از داده‌ها مبتنی بر خوداظهاری پاسخ‌دهندگان بوده و ممکن است تحت تأثیر خطا یا سوگیری قرار گرفته باشد. سوم اینکه هرچند نمونه پژوهش گسترده بوده، اما تعمیم کامل یافته‌ها به کل جامعه نیازمند مطالعات وسیع‌تری است. همچنین پیچیدگی کنش سیاسی در فضای مجازی به عواملی وابسته است که برخی از آن‌ها در این پژوهش قابل اندازه‌گیری مستقیم نبوده‌اند.

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی با استفاده از روش‌های ترکیبی عمیق‌تر، از جمله تحلیل شبکه‌های اجتماعی، داده‌کاوی پیام‌ها و بررسی طولی رفتار کاربران، انجام شود تا تصویر دقیق‌تری از الگوهای مشارکت سیاسی به دست آید. مقایسه مشارکت سیاسی آنلاین و آفلاین در گروه‌های

مختلف سنی و اجتماعی نیز می‌تواند دیدگاه‌های جدیدی ارائه دهد. همچنین انجام مطالعات میان‌فرهنگی و تطبیقی با دیگر کشورها می‌تواند تفاوت‌های ساختاری و فرهنگی اثرگذار بر مشارکت دیجیتال را آشکار کند. بررسی تأثیر الگوریتم‌ها، هوش مصنوعی و رسانه‌های نوظهور نیز از حوزه‌های مهمی است که در آینده باید مورد توجه قرار گیرد.

برای افزایش مشارکت سیاسی سازنده، پیشنهاد می‌شود برنامه‌های سواد رسانه‌ای در سطح گسترده اجرا شود و پلتفرم‌های داخلی و خارجی در جهت ارتقای شفافیت و اعتماد کاربران بهبود یابند. ایجاد فضای گفت‌وگوی آزاد، توسعه زیرساخت‌های ارتباطی امن و حمایت از کنشگری مدنی می‌تواند مشارکت سیاسی را تقویت کند. همچنین شایسته است نهادهای حکمرانی رویکرد مشارکت‌محور و تعاملی اتخاذ کنند و از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی برای تقویت ارتباط با شهروندان بهره ببرند.

تشکر و قدردانی

از تمامی کسانی که در انجام این پژوهش ما را همراهی کردند تشکر و قدردانی به عمل می‌آید.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

موازین اخلاقی

در تمامی مراحل پژوهش حاضر اصول اخلاقی مرتبط با نشر و انجام پژوهش رعایت گردیده است.

Extended Abstract

Introduction

The rapid expansion of social networks has profoundly transformed political behavior, reshaping how citizens access information, engage in public discourse, and participate in political processes. In contemporary societies, digital platforms function not only as communication channels but also as arenas for identity formation, political mobilization, and civic engagement (Weiss, 2020). Research demonstrates that youth and digitally literate populations increasingly rely on online networks for political learning and participation, making social media a central component of twenty-first-century political life (Boulianne & Theocharis, 2020; Theocharis et al., 2023). In particular, the accessibility, immediacy, and interconnectedness of digital platforms have widened the scope of political participation and enabled new modes of collective expression.

Empirical findings across countries highlight that social networks stimulate engagement by facilitating exposure to political content, mobilizing users, and creating opportunities for dialogue (Andreeva, 2019; Jost et al., 2018). At the same time, political participation is deeply shaped by the structure of discourse within these platforms and the quality of interactions between users. Cross-national analyses show that political disagreement and cross-cutting exposure can either enhance democratic deliberation or lead to disengagement, depending on the communicative environment (Barnidge, 2016; Lu et al., 2016; Matthes et al., 2019). Similarly, studies emphasize that patterns of media consumption and the communicative mediation model play central roles in predicting engagement levels across societies (Chan et al., 2017; Gil de Zúñiga et al., 2019).

In Iran, the significance of social networks in shaping political participation has been increasingly recognized. Research indicates that social media influence the political attitudes and behaviors of

students, citizens, and various demographic groups, serving as an alternative space for expression and engagement (Ebrahimi et al., 2019; Shams, 2020). Moreover, analyses reveal that political participation in Iran is affected not only by technological factors but also by sociocultural and institutional conditions such as political discourse, information availability, and restrictions within the public sphere (Rahbar Ghazi et al., 2017; Reysi Dehkardi & Rezvani Pour, 2015). In contexts where traditional media are constrained, social networks often become the primary arena for political communication, debate, and mobilization (Majlesi, 2020).

The literature also demonstrates that future studies and scenario-based analyses are vital for understanding the evolving dynamics of social networks and their implications for political development (Akhavan Kazemi & Nikoonahad, 2019; Najafi & Chabaki, 2016; Wirth et al., 2014). As digital behavior becomes increasingly intertwined with everyday life, scholars argue that anticipating future trajectories of social media's influence is essential for policymakers and researchers (Yavarzadeh & Rezaei Kalaj, 2014). Furthermore, global research indicates that digital spaces play a dual role: they enable citizens to organize movements, share grievances, and build political efficacy, while also exposing them to misinformation, polarization, or institutional pressures (Arabi et al., 2023; Kenesov, 2024; Kharel & Bhakta, 2024).

Another important dimension noted in contemporary studies is that platform affordances—such as visibility, interactivity, and virality—fundamentally shape how users participate politically (Theocharis et al., 2023; Waeterloos et al., 2021). Users' engagement is also influenced by the type of network used, whether open social platforms or more private messaging services (Xenos et al., 2014). The continued use of social networking sites for political participation has been documented in various Arab contexts as well, where political discussions and online expression significantly influence civic behavior (Chen et al., 2019).

Among young voters specifically, research shows that social media have direct and indirect effects on political participation by influencing information flows, motivation, and orientation toward political issues (Arfan et al., 2023; Tariq et al., 2022). Furthermore, studies conducted in Iran reveal that media space, ethnicity, and contextual sociopolitical conditions directly shape patterns of online and offline engagement (Arabi et al., 2023).

Given these multilayered interactions, understanding how social networks contribute to the development of political participation in Iran requires an integrated analytical approach. Future studies frameworks help identify driving forces, uncertainties, and pathways through which digital platforms may influence political involvement in the coming years. These considerations underscore the necessity of examining network affordances, discourse structures, institutional facilitators or barriers, and users' sociopolitical identities as key determinants of political participation (Ahmadi, 2019; Alavi & Ebrahimi, 2017; Anbarloo & Simchi, 2016).

This study contributes to the expanding body of research by providing empirical evidence on the influence of social networks on the future development of political participation in Iran through a mixed-method approach, integrating qualitative expert insights with quantitative analysis. By capturing both structural and behavioral dimensions, the study offers a comprehensive perspective on how digital communication shapes political engagement and what future trajectories may emerge in the Iranian context.

Methods and Materials

This study employed a mixed-method design consisting of qualitative and quantitative phases. In the qualitative phase, in-depth semi-structured interviews were conducted with experts in political science, communication studies, and digital media. The Delphi approach was used to refine thematic

categories and validate conceptual components. Qualitative data were analyzed through interpretive thematic analysis to identify core drivers and inhibitors of political participation in social media environments.

In the quantitative phase, a researcher-made questionnaire derived from the qualitative findings was administered to a sample of 384 participants, including university faculty members and specialists in political and digital communication. The sampling method was convenience-based. The reliability of the questionnaire was confirmed through Cronbach's alpha, and validity was supported through expert review. Inferential statistical analyses, including the Kolmogorov–Smirnov test, linear regression, and Pearson correlation, were performed using SPSS 26 to examine relationships between variables. Descriptive statistics were also utilized to profile respondents.

Findings

Findings from the qualitative phase indicated that social networks function as a central arena for political expression and identity formation in Iran. Experts emphasized that online spaces have become the primary setting for constructing public opinion, especially among youth and educated populations. They highlighted that suppressing political engagement in digital environments can intensify public distrust, whereas encouraging open communication can deepen trust and stimulate constructive participation. Experts also noted that the type of platform, level of media literacy, and quality of political discourse significantly influence political behavior.

Quantitative analysis revealed that all data were normally distributed based on the Kolmogorov–Smirnov test. Linear regression analysis showed that political development had a significant predictive effect on the dependent variable, future political participation through social networks. The model explained 59% of the variance, indicating strong explanatory power. Pearson correlations demonstrated significant positive relationships between political participation and multiple factors, including discursive capacity, governmental facilitation, political discourse, platform type, news blockage in traditional media, digital facilitators, and political functionality of social networks. Among these, digital facilitation and political functionality exhibited the strongest correlations. Demographic analysis showed a diverse sample in terms of age, education, and occupation, enabling a robust understanding of social network usage patterns.

Discussion and Conclusion

The findings demonstrate that political participation in Iran is increasingly shaped by digital interactions and that social networks are becoming essential components of the political landscape. The strong relationships identified in this study indicate that sociopolitical structures, platform characteristics, and user experiences collectively shape digital political engagement. The predictive strength of political development suggests that institutional frameworks and governance strategies play a critical role in shaping how citizens participate both online and offline.

The results also highlight that when traditional media environments restrict information, citizens turn to social networks as alternative channels for political communication. This shift underscores the importance of transparency and open media environments for fostering trust and inclusive participation. Additionally, the strong role of discursive capacity and political functionality suggests that social networks are evolving from platforms of passive consumption into active spaces for deliberation, mobilization, and collective action.

Overall, the study concludes that social networks hold significant potential for strengthening political participation in Iran. However, realizing this potential requires fostering open digital environments, enhancing media literacy, supporting constructive discourse, and aligning governance strategies

with citizens' evolving communication practices. The future trajectory of political participation will depend heavily on how these digital, social, and institutional factors interact in the coming years.

References

- Ahmadi, Y. (2019). The Impact of Types of Social Capital in Social Networks on Types of Political Participation: A Study of Citizens Aged 18 and Over in Sanandaj. *Applied Sociology*, 30(3), 1-22. https://jas.ui.ac.ir/article_24027.html
- Akhavan Kazemi, M., & Nikoonahad, A. (2019). Future Studies of Political Development in Iran Based on an Analysis of Constraints. *Politics*, 587-606. https://jpq.ut.ac.ir/article_73050.html
- Alavi, S. A., & Ebrahimi, S. (2017). Examining the Impacts of Social Networks on Increasing Political Participation. Annual Conference on Research in Humanities and Social Studies, https://jpq.ut.ac.ir/article_55946.html
- Anbarloo, A., & Simchi, M. (2016). The Role of Future Studies in Urban Sustainable Development. Conference on Innovative Research in Science and Engineering, <https://civilica.com/doc/728920/>
- Andreeva, M. (2019). Shaping Political Culture and Participation through Social Networks. *Journal of Liberty and International Affairs*(02), 43-54. <https://www.cceol.com/search/article-detail?id=800003>
- Arabi, A., Haddadi, A., & Karami, F. (2023). Political Participation, Ethnicity, and Media Space: A Look at Online and Offline Participation in Fars Province. *Quarterly Journal of Social Development (Previously Human Development)*, 17(3), 203-226. <https://doi.org/10.22055/qjsd.2023.18276>
- Arfan, R., Suryanef, & Al, R. (2023). The Role of Social-Media in Increasing Millennial Political Participation in the Medan Johor Subdistrict. *Journal of Etika Demokrasi*, 8(1), 124-136. <https://doi.org/10.26618/jed.v%vi%i.10008>
- Barnidge, M. (2016). Exposure to political disagreement in social media versus face-to-face and anonymous online settings. *Political Communication*, 34, 302-321. <https://doi.org/10.1080/10584609.2016.1235639>
- Boulianne, S., & Theocharis, Y. (2020). Young people, digital media, and engagement: A meta-analysis of research. *Social Science Computer Review*, 38, 111-127. <https://doi.org/10.1177/0894439318814190>
- Chan, M., Chen, H. T., & Lee, F. L. F. (2017). Examining the roles of mobile and social media in political participation: A cross-national analysis of three Asian societies using a communication mediation approach. *New Media & Society*, 19, 2003-2021. <https://doi.org/10.1177/1461444816653190>
- Chen, J. V., Elakhday, M. A., & Ha, Q. A. (2019). The continuance use of social network sites for political participation: Evidences from Arab countries. *Journal of Global Information Technology Management*, 22(3), 156-178. <https://doi.org/10.1080/1097198X.2019.1642021>
- Ebrahimi, S., Najafi, D., Mahmoudoglu, R., & Sadeghi Naghdali, Z. (2019). The Relationship Between Social Networks and Political Participation Among Students of Isfahan University. *Rahbord*, 66, 263-260. <https://www.sid.ir/paper/89278/fa>
- Gil de Zúñiga, H., Diehl, T., Huber, B., & Liu, J. H. (2019). The citizen communication mediation model across countries: A multilevel mediation model of news use and discussion on political participation. *Journal of Communication*, 69, 144-167. <https://doi.org/10.1093/joc/jqz002>
- Jost, J. T., Barberá, P., Bonneau, R., Langer, M., Metzger, M., Nagler, J., & Tucker, J. A. (2018). How social media facilitates political protest: Information, motivation, and social networks. *Political Psychology*, 39, 85-118. <https://doi.org/10.1111/pops.12478>
- Kenesov, A. (2024). Digital citizenship in the 21st century: Analyzing the impact of social media on youth political activism and civic engagement. <https://doi.org/10.63034/esr-53>
- Khaniki, H., & Khajir, Y. (2018). Social Media and Political Participation: A Meta-Analysis of Political Participation Among Social Media Users. *Interdisciplinary Studies in Humanities*, 1, 101-127. https://www.isih.ir/article_305.html
- Kharel, A., & Bhakta. (2024). Cyber-Politics: Social Media's Influence on Political Mobilization. *Journal of Political Science*. <https://doi.org/10.3126/jps.v24i1.62857>
- Lu, Y., Heatherly, K. A., & Lee, J. K. (2016). Cross-cutting exposure on social networking sites: The effects of SNS discussion disagreement on political participation. *Computers in human Behavior*, 59, 74-81. <https://doi.org/10.1016/j.chb.2016.01.030>
- Majlesi, F. (2020). The Influence of Political Patterns Through Social Networks. *Communication Management*, 46. <https://cmmagazine.ir/>
- Matthes, J., Knoll, J., Valenzuela, S., Hopmann, D. N., & Von Sikorski, C. (2019). A meta-analysis of the effects of cross-cutting exposure on political participation. *Political Communication*, 36, 523-542. <https://doi.org/10.1080/10584609.2019.1619638>
- Najafi, H., & Chabaki, R. (2016). Future Studies of Social Media Based on Trend Analysis Methods by 2025. International Conference on Modern Management by 2025, Tehran, <https://civilica.com/doc/550004/>

- Rahbar Ghazi, M. R., Mo'tamedi, S., & Shahryari, A. (2017). The Impact of Social Networks on Political Participation Considering Mediating Variables of Political Discussion, Political Efficacy, and Political Culture. *Social and Cultural Development Studies*, 2, 127-149. <https://journals.sabz.ac.ir/scds/article-1-424-fa.html&sw>
- Reysi Dehkardi, Z., & Rezvani Pour, F. (2015). Analyzing the Role of Media in Political Development. The First National Scientific Conference on Development and Promotion of Educational Sciences, Psychology, Sociology, and Social Cultural Sciences in Iran, <https://civilica.com/doc/408340/>
- Sadeghian Hosseini, M. (2018). Social Networks and Political Participation. *Electronic Journalism*, 35. <https://ensani.ir/fa/article/414848/>
- Shah, D. V. (2016). Conversation is the soul of democracy: Expression effects, communication mediation, and digital media. *Communication and the Public*, 1, 12-18. <https://doi.org/10.1177/2057047316628310>
- Shams, M. (2020). *Virtual Social Networks and Political Participation in Elections*. Nedaye Ketab. https://javm.iribu.ac.ir/article_83881.html
- Tariq, R., Izzal Asnira, Z., & Mahyuddin, A. (2022). Political Participation of Young Voters: Tracing Direct and Indirect Effects of Social Media and Political Orientations. *Contemporary Politics and Society*. <https://doi.org/10.3390/socsci11020081>
- Theocharis, Y., Boulianne, S., Koc-Michalska, K., & Bimber, B. (2023). Platform affordances and political participation: how social media reshape political engagement. *West European Politics*, 46(4), 788-811. <https://doi.org/https://doi.org/10.1080/01402382.2022.2087410>
- Waeterloos, C., Walrave, M., & Ponnet, K. (2021). Designing and validating the Social Media Political Participation Scale: An instrument to measure political participation on social media. *Technology in Society*. <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2020.101493>
- Weiss, J. (2020). What is youth political participation? Literature review on youth political participation and political attitudes. *Frontiers in Political Science*, 2, 1. <https://doi.org/10.3389/fpos.2020.00001>
- Wirth, T. v., Wissen Hayek, U., Kunze, A., Neuenschwander, N., Stauffacher, M., & Scholz, R. W. (2014). Identifying urban transformation dynamics: Functional use of scenario techniques to integrate knowledge from science and practice. *Technological Forecasting & Social Change*, 89, 115-130. <https://doi.org/10.1016/j.techfore.2013.08.030>
- Xenos, M., Vromen, A., & Loader, B. D. (2014). The great equalizer? Patterns of social media use and youth political engagement in three advanced democracies. *Information, Communication & Society*, 17, 151-167. <https://doi.org/10.1080/1369118X.2013.871318>
- Yavarzadeh, M. R., & Rezaei Kalaj, F. (2014). Future Studies: From Individual Capability to Social Capability. National Conference on Future Studies, <https://sid.ir/paper/821833/fa>